

آنچه سبب شود که نیستی صورت هستی به خود گیرد، آفرینش و خلاقیت است. از این رو همه هنرها آفریدن است و استادان و هنرمندان همه خلاق و آفرینشگرند.

www.mandegardaily.com

سال ششم شماره یک هزار سه صد و چهل و شش شنبه ۱۱ اسد / مرداد ۱۳۹۳ هـ شوال المکرم ۱۴۳۵ ق ۲۰ آگوست ۲۰۱۴

تیم اصلاحات و همگرایی:

کار شیوه ابطال آرا ناقص و غیر قابل قبول است



تیم انتخاباتی اصلاحات و همگرایی تلاش دارد تا حداکثر معیارها از سوی جامعه جهانی پذیرفته شود و به تقلب‌های گسترده رسیده‌گی صورت گیرد؛ اما تیم تحول و تداوم می‌کوشد تا موارد حد اقلی مورد تأیید قرار گیرد

اسلام‌آباد به کابل:

از ورود طالبان به خاک پاکستان جلوگیری کنید



سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان در کنفرانس هفته‌گی خود گفت: دولت اسلام‌آباد از ورود شبه‌نظامیان از خاک افغانستان به این کشور نگران است و از کابل می‌خواهد که برای مبارزه با این افراد مسلح همکاری کند.

تسليم اسلم افزود: وزارت امور خارجه پاکستان با احضار کاردار سفارت افغانستان در اسلام‌آباد، مراتب اعتراض خود را رسماً به دولت کابل اعلام کرده است.

اسلم اظهار داشت: پاکستان نسبت به ورود شبه‌نظامیان از خاک افغانستان به این کشور نگران است و از دولت کابل می‌خواهد که اقدامات لازم را انجام دهد.

سخنگوی وزارت امور خارجه... ادامه صفحه ۶

سخنگوی حامد کرزی:

کار اداره‌های دولتی کند شده است



نیست و باید هرچه سریع‌تر پروسه تفتیش آغاز شود و رییس‌جمهور جدید روی کار آید. سخنگوی حامد کرزی گفت که به دلیل بحران موجود که ناشی از کشمکش‌های انتخاباتی است، کار اداره‌های دولتی کند شده و نهادها مسوولیت‌هایشان را به درستی انجام نمی‌دهند.

ناپاک جدا سازد. آن‌ها می‌گویند تاهنگامی که یک لایحه جامع و مانع برای ابطال آرای تقلبی و خیالی ترتیب نگردد، وارد پروسه تفتیش نخواهند شد. اما سخنگوی حامد کرزی به روزنامه ماندگار گفت که آقای کرزی در دیدارهایی که با نماینده‌گان امریکا، سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا داشته، تأکید کرده که باید تا پایان ماه جاری، پروسه تفتیش به پایان برسد و مراسم تحلیف رییس‌جمهور جدید برگزار شود. آقای فیضی گفت که نماینده‌گان امریکا، سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا وعده سپرده‌اند که پروسه تفتیش را با افزایش شمار ناظران بین‌المللی به سرعت آغاز خواهند کرد. او گفت که آن‌ها به رییس‌جمهور کرزی وعده سپرده‌اند که تا پایان ماه اگست این روند پایان خواهد یافت. ایمل فیضی می‌گوید که ادامه وضعیت کنونی قابل قبول

سخنگوی ریاست‌جمهوری می‌گوید که به دلیل تأخیر در پروسه انتخابات، کشور در وضعیت خاصی قرار گرفته و اداره‌های دولتی، وظایف و مسوولیت‌هایشان را به درستی انجام نمی‌دهند.

ایمل فیضی در تماسی به روزنامه ماندگار گفت که ادامه وضعیت کنونی به خیر کشور نیست و باید هر چه سریع‌تر این وضعیت نامطلوب پایان یابد.

پس از کشمکش‌های زیاد و با پا درمیانی وزیر خارجه امریکا، پروسه تفتیش آرا آغاز شد؛ اما به دلیل اختلاف نظر روی لایحه ابطال آرا، این روند به بن بست انجامیده است.

روز پنجشنبه هفته گذشته، کمیسیون انتخابات و دفتر ملل متحد، لایحه ابطال آرا را نهایی اعلام کرد و گفت که روز شنبه پروسه تفتیش آرا از سر گفته می‌شود. اما ستاد اصلاحات و همگرایی این لایحه را ناقص می‌خواند و می‌گوید که این لایحه نمی‌تواند آرای پاک را از آرای

نشست ناتو و افغانستان بی رییس‌جمهور



کرزی بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زده است. دیپلمات‌ها می‌گویند که ممکن است حامد کرزی در این اجلاس در «ولز» به تاریخ چهارم و پنجم سپتمبر دعوت شود و یا او نماینده‌یی به این کنفرانس بفرستد. اما اشتراک احتمالی کرزی در این نشست اشکالاتی دارد زیرا براساس قانون اساسی افغانستان زمان کاری او به پایان رسیده است.... ادامه صفحه ۶

پیمان ناتو در نظر دارد که در نشست خود در ماه آینده در مورد ماموریت جدید در افغانستان و پایان ماموریت جنگی در این کشور مشوره کند. اما این پیمان نظامی با این سوال مواجه است که در این نشست کی از افغانستان نماینده‌گی می‌کند؟

دو نامزد دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در مورد نتایج انتخاباتی اختلاف دارند. غرب امیدوار بود که این انتخابات منجر به انتقال آرام قدرت شود و تأیید کند که کابل آماده به عهده‌گیری مسوولیت‌ها برای رهبری این کشور جنگ زده می‌باشد.

قبلاً برنامه‌ریزی شده بود که رییس‌جمهور جدید افغانستان روز شنبه (۱۱ اسد) سوگند وفاداری یاد کند، اما به دلیل جنجال‌های انتخاباتی و بازشماری همه آرا این تاریخ لغو شده است. حالا که چهار ماه از برگزاری دور نخست انتخابات می‌گذرد هنوز حامد

ناظران بین‌المللی

افزایش یافتند



روز جمعه تعداد بیشتری ناظر و کارشناس بین‌المللی برای شرکت در روند بازشماری آرای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری وارد کابل شدند.

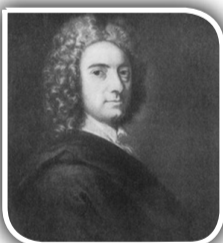
دفتر سازمان ملل متحد در کابل یا یوناما، روز جمعه با صدور بیانیه‌یی اعلام کرد... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



سوءبرداشت‌ها از مفهوم دولت وحدت ملی

خرد اسقف برکلی



پهنه کیتی زیر سایه قند پارسی



فاز دیگر بن بست انتخاباتی



احمد عمران

سوءبرداشت‌ها از مفهوم دولت وحدت ملی



که در سال‌های پسین، هیچ ایتلاف و تعامل سیاسی در عرصه تقسیم قدرت صورت نگرفته است. اگر ایشان زمانی در موقعیت معاون اول ریاست‌جمهوری قرار داشتند، بر اساس مصلحت‌هایی بود که آقای کرزی برای خود تعریف کرده بودند. آقای مسعود می‌گوید که تنها به انتخابات به عنوان اصلی‌ترین شکل انتقال قدرت فکر می‌کند. ولی بازهم ایشان از یاد می‌برند که انتخابات افغانستان به گونه‌ی مدیریت نشد که بتوان به نتیجه آن باور کرد. وقتی انتخابات به مرکز تقلب و مهندسی آرا تبدیل شود، چه کسی حاضر است نتایج آن را بپذیرد؟ آیا ایشان نتایج انتخابات سال ۲۰۰۹ را پذیرفته بودند که دست به تشکیل جبهه مخالف زدند؟

آقای مسعود چند ماه پس از انتخابات سال ۲۰۰۹، جبهه ملی را به عنوان اپوزیسیون دولت به وجود آورد؛ در حالی که به صورت منطقی، اپوزیسیون دولت آقای کرزی در نتیجه انتخابات، ایتلاف ملی به رهبری داکتر عبدالله بود. وقتی ایشان نتیجه انتخابات مملو از تقلب را پذیرفته نمی‌توانند، آن‌گاه از دیگران چه‌گونه توقع پذیرش چنین نتیجه‌ی را دارند؟ دولت وحدت ملی در نتیجه یک توافق ملی به دست آمده و هنوز سازوکارهای آن مشخص نشده است. ایشان پیش از قضاوت در مورد دولتی که هنوز در جزئیات با آن توافق نشده، خوب است از همان تریبون اصلی خود سخن بگویند تا باعث سوءتفاهم در رابطه با مهم‌ترین مسأله سیاسی در کشور نشوند.

وقتی سخنگوی تیم تحول و تداوم، سخنان آقای مسعود را رد می‌کند، به این معناست که ایشان در درون تیم خود به دو دسته‌گی دامن می‌زنند و این چیزیست که در آن منافع ملی کشور نمی‌تواند در شرایط حساس فعلی در نظر گرفته شده باشد.

اما نکته مهم در این سخنان، «نظریات شخصی» آقای مسعود نیست، بل سوء برداشتیست که از جانب ایشان در مورد یکی از مفاهیم مهم سیاسی انجام می‌شود. آقای مسعود دیدگاه خود را بر اساس منافع خویش بیان کرده و نه بر اساس منافع مردم افغانستان. ایجاد دولت وحدت ملی، امری ایده‌آل نمی‌تواند باشد؛ چون از وضعیت اضطراری خبر می‌دهد؛ وضعیتی که می‌تواند شرایط را به سمت تنش و خشونت ببرد. در همه جهان، کشورهایی مجبور به ایجاد دولت وحدت ملی شدند که تازه از بستر جنگ سر بلند کرده بودند و تلاش داشتند که بر ناملايمات جنگ پیروز شوند و وضعیت را به نفع صلح و ثبات تغییر دهند. طرح آجندای ملی نیز وقتی بحث ایجاد دولت وحدت ملی را مطرح می‌کند، به چنین شرایطی اشاره دارد.

آجندای ملی وضعیت کشور را تحلیل می‌کند و به جای آرمان‌گرایی، می‌خواهد واقع‌گرا باشد. واقع‌گرایی این است که بتوانیم برای شرایط خاص یک کشور مدل‌هایی را برای ایجاد ثبات و امنیت پیش‌کش کنیم که آن مدل‌ها پاسخ‌گویی وضعیت باشند. گاهی پیشنهادهایی شبیه به آن‌چه که در سخنان احمدضیا مسعود بازتاب داشته، می‌توانند برای یک کشور بحران‌زده چیزی بیشتر از آرمان‌گرایی باشند. آرمان‌گرایی به این معناست که ما هنوز شرایط ویژه یک کشور را درک نکرده‌ایم.

دولت وحدت ملی، درست از بطن یک بحران بیرون می‌شود؛ بحرانی که اگر با تقسیم قدرت مهار نشود، کشور را به سوی باتلاق نزاع و کشمکش‌های درونی می‌برد. احمدضیا مسعود می‌گوید که «ما هر گونه تعامل سیاسی، هر گونه زدوبند سیاسی و هر گونه ایتلاف سیاسی به جز از طریق انتخابات را به صورت مطلق رد می‌کنیم. اما آقای مسعود فراموش می‌کند

برداشت‌های نادرست و غیردقیق از مفهوم دولت وحدت ملی در روزهای اخیر در میان سیاست‌مداران کشور به شدت بیداد می‌کند. هم‌زمان با مطرح شدن مفهوم دولت وحدت ملی پس از گرفتاری‌های انتخاباتی سال روان که هم‌چنان پس‌لرزه‌های آن ادامه دارد، ناگهان توجه همه به این مفهوم جلب شده و هر کسی از ظن خود یار آن می‌شود. یکی می‌گوید دولت وحدت ملی حضور همه اقوام در ساختار قدرت است و دیگری مشارکت گروه‌های بانفوذ را نشانه تحقق دولت وحدت ملی فرض می‌کند و کسی هم مثل احمدضیا مسعود می‌گوید که دولت وحدت ملی «پیروزی یک تیم در نتیجه انتخابات است».

آقای مسعود روز جمعه هفته گذشته در یک گردهمایی زنان، دیدگاه‌های خود را از طرح دولت وحدت ملی ارایه کرد؛ دیدگاه‌هایی که بیشتر در محور اهداف و مطالبات شخصی، طرازبندی شده بودند و اکثراً از یک نوع نگرانی پیش از وقت خبر می‌دادند. آقای مسعود از اعضای ارشد تیم تحول و تداوم است، ولی او این‌بار از جایگاه حقوقی‌اش در این تیم حرف نمی‌زد، بل تلاش داشت که از نشانی دیگری دیدگاه‌ها و نظریاتش را ارایه کند. این نشانی دیگر می‌توانست همان سازمان منقرض‌شده «جبهه ملی» باشد که قبل از رسیدن به انتخابات، دچار فروپاشی زودهنگام شد.

سخنان اخیر احمدضیا مسعود، عملاً در تضاد با توافقات حاصل‌شده میان دو تیم انتخاباتی قرار دارد. واکنش تیم تحول و تداوم نیز که بلافاصله صورت گرفت، نشان می‌داد که این سخنان نمی‌توانند بیانگر مواضع رسمی این تیم باشند. فیض‌الله ذکی از سخن‌گویان تیم تحول و تداوم، در واکنش به اظهارات احمدضیا مسعود، آن‌ها را «نظریات شخصی» وی توصیف

سخن‌ماندگار

از مهندسی تفتیش آرا جلوگیری شود!

پس از بروز کشمکش‌های انتخاباتی و آمدن وزیر خارجه آمریکا به کابل برای خروج از بن‌بست، حرف از توافقات سیاسی و تفتیش صد در صد آرای دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری به میان آمد. هرچند در شروع، توافقات سیاسی و تفتیش آرا امیدوارکننده جلوه می‌نمود و گمان می‌رفت که از این طریق حق به‌حق‌دار می‌رسد و تلقب و مهندسی به تاریخ سپرده می‌شود؛ اما با آغاز روند تفتیش آرا دیده شد که این روند خود مشکل دیگری را ایجاد کرده است و سه بار تعویق در ده روز نخست شمارش آرا نشان داد که کار تفتیش نه‌تنها به‌کندی پیش می‌رود، بلکه دست‌هایی به هدف مهندسی کردن روند تفتیش آرا دراز شده است.

اکنون پس از اخلاص روند تفتیش توسط کمیسیون‌ها و کارشویه نامیدکننده‌ی که در این روند به کار گرفته شده است، نگرانی‌ها جدی‌تر شده‌اند. نگرانی این است که این‌بار سازمان ملل با ارایه طرحی یک‌جانبه و غیرمنصفانه سبب ایجاد یک مشکل دیگر در افغانستان شود. زیرا تا جایی که گزارش‌ها می‌رسانند، طرحی که سازمان ملل برای از سرگیری روند شمارش آرا تهیه کرده است، نواقص بسیار جدی دارد؛ از جمله این‌که «اگر در جدول نتایج یک محل یا مرکز، رقم رای رسانده شده باشد اما صندوق‌های آن محل وجود نداشته باشد ولی جدول نتایج مورد تأیید کمیسیون انتخابات قرار گیرد، باید نامزدان نیز آن را بپذیرند».

این نشان می‌دهد که در طرح سازمان ملل، زمینه برای تأیید تقلب‌های بسیار کلان مساعد شده و این کاملاً خلاف عدالت است و عملی شدن آن، همه امیدها و انتظارات مردم افغانستان را نقش بر آب می‌سازد. زیرا کمیسیون‌های انتخاباتی با آن‌همه تقلب و خیانتی که مرتکب شده‌اند، اکنون دست باز دارند تا همه آن تقلبات را و نزدیک به دو میلیون رای تقلبی‌یی که به نفع نامزد مشخصی به صندوق‌ها رفته است، تأیید کنند. در حالی که توقع می‌رفت سازمان ملل کارشویه‌ی را ارایه کند که تقلب‌های سازمان‌یافته از میان آرای پاک مردم زدوده شود، نه این که طرحی ارایه گردد که خود سبب مشروعیت بخشیدن به تقلب می‌شود.

به نظر می‌رسد که دفتر سازمان ملل در کابل، تحت تأثیر وسوسه‌های کمیسیون انتخابات قرار گرفته و نیز از مشوره‌ها و دیدگاه‌های لابی‌های یکی از تیم‌های انتخاباتی بهره برده و سرانجام، کار را به نفع آن‌ها تنظیم کرده است. چشم‌داشت مردم افغانستان از دفتر سازمان ملل در کابل این بود که با حمایت این نهاد مصلح، در روند تفتیش آرا موارد بزرگ تقلب هم‌چون پرکاری صندوق‌های رأی‌دهی و افزایش معجزه‌آسای آرای شماری از ولایت‌ها به بررسی گرفته می‌شد. اما متأسفانه طوری که دیده می‌شود، کارشویه ناقصی که از جانب این دفتر لحاظ شده است، سبب نادیده گرفته شدن آن‌همه تقلب‌ها می‌گردد و این، اعتبار دفتر سازمان ملل در کابل را مخدوش می‌سازد و اعتماد مردم را نسبت به دموکراسی و انتخابات از بین می‌برد.

سخن پایانی این‌که: کارشویه ابطال آرا که از سوی سازمان ملل پیشنهاد شده است، به‌تمام معنا ناقص است و انتظار نمی‌رود این کارشویه بتواند آرای سره را از ناسره جدا سازد. بنابراین انتظار ما این است که دفتر سازمان ملل در کابل که حالا برای به‌راه انداختن روند تفتیش آرا تلاش دارد، در مورد کارشویه ابطال آرا که نهایی نیز نشده، تجدید نظر کند و حتا اگر نهایی هم شده باشد، باید بازهم بازنگری صورت دهد. زیرا این کارشویه ناقص، زمینه مهندسی پروسه تفتیش را به نفع تقلب‌کاران فراهم می‌سازد و حتا ممکن است ناکامی جامعه جهانی و سازمان ملل در افغانستان را نیز در پی داشته باشد.

✪ نویسنده: خالد علگیندی / برگردان به فارسی: عماد عابدی

انتفاضه سوم

پس از غزه، قیام مردم فلسطین به کرانه غربی گسترش می‌یابد

آن، نخبگان فلسطین باید انتظار این را داشته باشند که انتفاضه بعدی به همان اندازه‌ی که بر ضد اسرائیل است آن‌ها را نیز نشانه خواهد گرفت. از این نگاه، مخالفت اسرائیل و ایالات متحده آمریکا با وحدت و همکاری‌های سیاسی میان حماس و فتح بیهوده خواهد بود. در واقع، این مخالفت نه تنها به فلسطینی‌ها زیانبار بوده است که به منافع اسرائیل و راه حل تشکیل دو دولت نیز مضر بوده است. اما عواقب اخلاقی، سیاسی، و شاید حتا حقوقی محاصره و کوبیدن دورویی غزه ممکن است روزی به همان اندازه برای اسرائیل گران تمام شود. هرچند هنوز مشخص نیست که بحران درگیری کنونی غزه کی و چگونه به پایان خواهد رسید، اما بازگشت به وضع موجود بدون پرداختن به مسائل اساسی که بحران کنونی را به آورده است تنها زمینه سازی برای راه اندازی جنگ دیگری در غزه در یکی دو سال آینده خواهد بود. در نهایت، مساله امنیت اسرائیل را نمی‌توان از ادامه اشغال و محاصره مداوم غزه جدا کرد.

هر گونه موافقت‌نامه آتش بس معنا دار باید شامل یک طرح اساسی برای باز کردن مرزهای غزه باشد؛ باشندگان غزه برای مدتی بسیار طولانی رنج برده اند و آنها نباید تا رسیدن به یک راه حل دائمی منتظر از سرگیری روابط اقتصادی عادی با جهان خارج باشند. این برای مقامات دولت عباس نیز فرصت می‌دهد که دوباره در غزه حضور

است، این را می‌داند که اگر فتح مبارزه مسلحانه را از سر گیرد با پاسخ خشن اسرائیل مواجه خواهد شد و امکان برقراری رابطه او با ایالات متحده، که مدت ها به دنبال او بوده است، به خطر خواهد افتاد. حماس، به نوبه خود، به جای گسترش تلاش‌های خود در کرانه غربی، ممکن است پس از مواجهه طولانی با اسرائیل مشغول لیسیدن زخم‌ها و بازسازی موقعیت خود در غزه گردد. هر دو گروه، با این حال، ممکن است به زودی بی‌میلی خود را از دست بدهند. عملیات گسترده نظامی اسرائیل در غزه - سومین عملیات در شش سال گذشته - تا کنون جان بیش از هزار فلسطینی را گرفته است، که بیشترین آنها غیر نظامیان بودند. در حالی که ۴۴ اسرائیلی نیز کشته شده اند، که بسیاری آنها سرباز بودند. وضعیت ناگوار مردم غزه خشم فلسطینیان را برانگیخته است و تظاهرات فلسطینی‌ها را در کرانه غربی و اسرائیل به دنبال داشته است. تظاهرات هفته گذشته در بیرون اورشلیم، بزرگترین گردهمایی در کرانه غربی در چند دهه گذشته، یکی از نشانه‌های تازه ای برای آغاز انتفاضه سوم بود. موفقیت نسبی حماس در میدان جنگ محبوبیت این گروه را افزایش داده است، در حالی که ناتوانی عباس را بیشتر از پیش برجسته ساخته است. بر مبنای یکی از نظرسنجی‌های اخیر، از زمان آغاز بحران غزه، برای نخستین بار در چند سال گذشته، حماس در حمایت مردمی از فتح پیشی گرفته است. با این حال، بسیاری

با توجه به شدت جنگ جاری میان حماس و اسرائیل در غزه، به آسانی می‌شود فراموش کرد که بحران کنونی در بخش دیگر فلسطین آغاز شد. آدم‌ربایی و قتل سه نوجوان اسرائیلی در کرانه غربی منجر به حمله شدید اسرائیل به غزه شد، که حماس هم با باران موشک به آن پاسخ داد. در همین حال، قتل یک نوجوان فلسطینی توسط افراط‌گرایان یهودی تظاهرات خشمناک فلسطینیان را در شرق بیت المقدس و مناطق دیگر برانگیخت. تغییر در محل درگیری به نفع اسرائیل بود، چون جنگ را به دور از مناطق حساس و استراتژیک می‌کشانید. برای سیاست‌گذاران اسرائیل یک جنگ متمرکز به غزه، نسبت به احتمال یک خیزش دیگر در کرانه غربی مانند انتفاضه اول در اواخر دهه ۱۹۸۰ و انتفاضه دوم در اوایل سال ۲۰۰۰، ارجحیت داشت. با این حال، برخلاف آرزوی اسرائیلی‌ها، جنگ حاضر احتمال وقوع انتفاضه سوم را بیشتر می‌سازد نه کمتر.

در ده سال گذشته، سیاست اسرائیل مبتنی بر ایجاد و حفظ شکاف سیاسی و جغرافیایی بین دولت خودگردان فلسطین به رهبری فتح در کرانه غربی و حکومت حماس در نوار غزه بوده است. اگر چه دولت کنونی اسرائیل هیچگاه مخالفت خود را با تشکیل دولت فلسطینی به شمول و یا حتا موافقت حماس پنهان نمی‌کند، اما سیاست اسرائیل در جداسازی غزه از کرانه غربی پیش از به قدرت رسیدن حماس آغاز شده بود. در واقع، بسته شدن مرزهای نوار غزه در اواخر سال ۲۰۰۵، مدت کوتاهی پس از آن که اسرائیل به طور یک جانبه اتباع و سربازان خود را از نوار غزه بیرون کشید، زمینه‌ی به قدرت رسیدن حماس و شرایط برای چرخه‌ی بی‌پایان خشونت در غزه را، که تا امروز شاهد آن هستیم، فراهم کرد. چنان که داو ویسگلاس، رئیس دفتر آریل شارون، نخست وزیر سابق اسرائیل، در آن زمان گفته بود، منظور از خروج اسرائیل از نوار غزه «جلوگیری از تداوم روند سیاسی میان فلسطینیان» بود. اسرائیل پس از حذف غزه، همراه با ۱.۵ میلیون باشنده فلسطینی آن، می‌توانست کنترل استعماری خود به کرانه غربی را استحکام ببخشد. از آن زمان به بعد، اسرائیل با حمایت ایالات متحده و بین المللی، به بحران فلسطین به عنوان دو درگیری جداگانه می‌نگرد. با حفظ همکاری‌های امنیتی و ارتباط دیپلماتیک با جنبش فتح در کرانه غربی، اسرائیل امیدوار بود آرامش را در مناطق مجاور به مراکز عمده جمعیت خود و همچنین پروژه‌های شهرک سازی حفظ کند. هم‌زمان با آن اسرائیل با غزه زیر اداره حماس که از هوا، زمین، و دریا در محاصره است، به عنوان «منطقه دشمن» همیشگی برخورد می‌کند و در نتیجه این حق را به خود محفوظ نگه می‌دارد که به صورت دوره ای به آن حمله کند، فرایندی که مقامات نظامی اسرائیل به آن «علف چینی» می‌گویند. به این ترتیب، اسرائیل از پرداختن به علل اصلی مناقشه، به ویژه اشغال ۴۶ ساله کرانه غربی و نوار غزه دوری می‌جوید. این روش بدترین نتیجه‌ی ممکن را به پار آورده است: افزایش احتمال درگیری‌های خشونت‌آمیز با حماس و کاهش احتمال حل و فصل مناقشه با تشکیلات خودگردان محمود عباس.

به نظر می‌رسد راهبرد تقسیم و تسخیر برای مدتی کارا باشد. بخش بزرگ این کارایی مدیون ایالات متحده و دیگر قدرتهای غربی بود که از پذیرش مشارکت حماس در دولت فلسطین سر باز می‌زدند، و از محاصره غزه حمایت می‌کردند. این افسانه که اسرائیل به نحوی بتواند با یک بخش فلسطین صلح کند و با بخش دیگر جنگ، در نهایت در ماه اپریل در هم شکست، هنگامی که فتح و حماس آشتی کردند و پس از هفت سال دولت فلسطینی یکپارچه را در کرانه غربی و نوار غزه به میان آوردند. با وجود اتحاد بین دو گروه بزرگ سیاسی فلسطین، برنامه‌های سیاسی آن‌ها با هم بسیار متفاوت است. فتح خشونت سیاسی را ترک کرده است و به منظور حل و فصل قضیه فلسطین متعهد به مذاکره با اسرائیل است. حماس همان گونه که بحران کنونی نشان می‌دهد -- حق شرکت در مقاومت مسلحانه را به خود حفظ کرده است. ناتوانی گروه‌های فلسطینی در تدوین یک راهبرد مشترک دلیل اصلی عدم فوران یک خیزش تمام عیار فلسطینی است.

حتا در جریان جنگ جاری غزه، فتح و حماس زمان را برای قیام در کرانه غربی مناسب نمی‌بینند. محمود عباس، رئیس جمهور دولت خودگردان فلسطین، که قیام قبلی فلسطین را «یکی از بدترین اشتباهات» خوانده

اردوغان:

اسرائیل جنایاتی مشابه هیتلر را مرتکب می‌شود



نخست وزیر ترکیه ضمن انتقاد شدید از اقدامات رژیم صهیونیستی در نوار غزه گفت، اقداماتی که این رژیم در نوار غزه انجام می‌دهد مانند جنایاتی است که هیتلر در زمان خود انجام داده است. رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه در جریان سخنرانی خود در همایش انتخابات ریاست جمهوری که در شهر وان برگزار شد، گفت: به من بگوئید فرق بین حملات اسرائیل و حملات نازی‌ها و هیتلر چیست؟

وی افزود: این اقدام نژاد پرستی است. این امر فاشیسم است و آنچه که در غزه رخ می‌دهد روح شرارت و گمراهی را که هیتلر به آن متصف بود، احیا می‌کند.

اردوغان مجدداً از حمله اسرائیل علیه نوار غزه که در هشتم جولای سال جاری آغاز شد، بشدت انتقاد کرد و این عملیات را «کشتاری» تلقی کرد که فلسطینیان را هدف قرار داده است.

وی همچنین از آمریکا به دلیل دفاع از ارتش اسرائیل و همچنین بی توجهی جهان اسلام نسبت به این اقدامات تروریستی انتقاد کرد. نخست وزیر ترکیه تصریح کرد کسانی که در مقابل این کشتار ساکت می‌نشینند نیز جنایت کاراند.

بر اساس این گزارش از هشتم جولای سال جاری دستکم ۱۴۵۶ فلسطینی در حمله رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه کشته و ۸۴۰۰ تن زخمی شده‌اند. به اذعان ارتش رژیم صهیونیستی تاکنون ۶۱ تن از سربازان اسرائیلی کشته شده‌اند.

روابط میان اسرائیل و ترکیه که پیشتر هم پیمانان منطقه‌یی به شمار می‌رفتند از زمان حمله به کشتی ترکیه در نزدیکی نوار غزه در سال ۲۰۱۰ و کشته شدن ۱۰ تن از فعالان ترک به پایین ترین سطح خود رسیده است.

اتحادیه اروپا ۵ بانک روسی را تحریم کرد



اتحادیه اروپا دسترسی پنج بانک روسی به بازارهای سرمایه خود را محدود کرد.

به گزارش خبرگزاری نووستی، اتحادیه اروپا اسامی پنج بانک روسی را منتشر کرد که این اتحادیه دسترسی به بازارهای سرمایه خود را برای این موسسات مالی دولتی روسیه محدود کرده است.

موسسات مالی سبربانک، وی تی بی، گاز پروم بانک، ونشکونوم بانک (وی.ای.بی) و روسلخوز بانک اسامی این پنج بانک تحریم شده توسط اتحادیه اروپاست.

با توجه به این تحریم، سرمایه‌گذاران اتحادیه اروپا دیگر نمی‌توانند اقداماتی همچون خرید، فروش، فراهم سازی خدمات کارگزاری یا انجام هرگونه فعالیتی با تعهدات، اوراق یا هر ابزار مالی که برای مدت زمان بیش از ۹۰ روز توسط بانک‌های دولتی نامبرده و یا موسسات وابسته به آن‌ها صادر می‌شود، انجام دهند.

این تحریم‌ها موسسات وابسته به این پنج بانک را نیز که در خارج از اتحادیه اروپا فعالیت می‌کنند، در برمی‌گیرد.

اتحادیه اروپا به تازگی تحریم‌های جدیدی را علیه روسیه به دلیل بحران اوکراین اعمال کرده است. این تحریم‌ها که توسط کمیسیون اروپا آغاز شده است به بسیاری از زمینه‌های اقتصادی روسیه ضربه وارد خواهد کرد.

دسترسی به بازارهای مالی، فروش سلاح، فناوری‌های حساس در زمینه انرژی و فرآورده‌های دارای کاربرد دوگانه، از جمله موارد این تحریم‌ها هستند.

معاون رییس دومای روسیه اعلام کرد که اتحادیه اروپا با این تحریم‌ها وارد جنگ سردی با مسکو شده است.



یابند و به تحکیم وحدت فلسطین بپردازند. از آنجایی که اسرائیل و مصر به حماس اعتماد ندارند، عادی سازی مرزهای غزه باید از سوی دولت خودگردان ترتیب داده شود. جزئیات این چیدمان باید به طور چند جانبه بین مصر، اسرائیل، حماس، و دولت خودگردان عباس تنظیم شود. با این حال، به منظور جلوگیری از به میان آمدن این ذهنیت که دولت خودگردان سوار بر تانک‌های اسرائیلی به غزه برگشته است، شرایط واقعی این چیدمان باید در یک توافقنامه جداگانه میان دولت خودگردان و حماس گنجانیده شود، نه به عنوان بخشی از توافق آتش‌بس با اسرائیل. این تنها راهی است که تمام طرف‌ها اطمینان می‌یابند که این معامله دستاوردی داشته اند.

رسیدن به چنین توافقی بسیار مشکل خواهد بود، به ویژه پس از جنگ و خونریزی بسیار. اما این غیر ممکن نیست. شاید بزرگترین چالش متقاعد کردن آمریکا و به ویژه رهبران اسرائیل باشد تا از مخالفت خود با مشارکت حماس در سیاست فلسطین دست بردارند. اما هر دو کشور باید متوجه باشند که وضع موجود احتمال وقوع و تکرار درگیری‌های خشونت‌آمیز را بیشتر ساخته است که به احتمال زیاد پیامدهای آن در آینده برای همه طرف‌ها ناگوارتر خواهد بود. در عین حال، اگر آنها می‌خواهند از آغاز انتفاضه سوم جلوگیری کنند، باید به اشغال فلسطین توسط اسرائیل برای همیشه پایان دهند.

از فلسطینی‌ها محدودیت درگیری مسلحانه با قدرت نظامی توانمند مانند اسرائیل را درک می‌کنند. در نتیجه، با وجود شکست گفتگوهای صلح به رهبری آمریکا، مذاکراتی که در دستور کار عباس قرار دارد هنوز هم می‌تواند وارد باشد.

مهم‌تر از همه، ویرانی جاری در غزه همه گروه‌های فلسطینی را، برای نخستین بار در سال‌های اخیر، مجبور ساخت تا در مورد یک مسئله مهم سیاسی موقف مشترک بگیرند. در واقع، یکی از مطالبات اصلی حماس این بود که اسرائیل به آشتی این گروه با فتح احترام بگذارد. در طول درگیری‌های قبلی در نوار غزه، رهبری سیاسی کرانه غربی تمایلی به اظهار حمایت آشکار از حماس نداشتند. این محاسبات به وضوح دیگر کاربرد ندارد. یاسر عابد ربه، دبیر کل سازمان آزادیبخش فلسطین و یکی از چپ‌گرایان سرسخت، در بیانیه‌ای از «مقاومت دلیرانه» غزه ستایش و از خواسته‌های حماس برای آتش بس و پایان محاصره هفت ساله اقتصادی غزه حمایت کرد.

این بدان معنا نیست که فتح به مبارزه مسلحانه خواهد پیوست، از آن نوعی که حماس در غزه به راه انداخته است، و یا این که حماس به زودی از مذاکرات صلح فتح با اسرائیل حمایت خواهد کرد. اما ممکن است این بدان معنا باشد که هر دو گروه محدودیت‌های ذاتی پروژه‌های خود را بپذیرند، و آمادگی همکاری برای شکل دهی یک برنامه ملی شوند، به عنوان مثال با راه اندازی یک کمپین مقاومت مدنی در مناطق اشغالی و در میان فلسطینیان پناهنده در کشورهای دیگر. به عبارت دیگر، جنگ جاری در غزه ممکن است در نهایت هر دو گروه را متوجه بهبودی اختلافات درونی بسازد. در غیر

هنر پرسش‌گری سقراطی



هنر پرسش‌گری سقراطی، برای متفکران انتقادی مهم است؛ زیرا هنر پرسش‌گری برای تعالی اندیشه، جایگاه خاصی دارد. پرسش‌گری سقراطی یعنی پرسش‌گری هدف‌مند، عمیق و علاقه‌مند به ارزیابی پاسخ‌ها. بین تفکر انتقادی و پرسش‌گری سقراطی، ارتباط ویژه‌ای است؛ زیرا هر دو دارای یک نتیجه نهایی هستند. تفکر انتقادی منجر به نگاه همه‌جانبه به عمل کرد تفکر می‌شود و پرسش‌گری سقراطی با ایجاد پرسش‌های اساسی، به کیفیت این نگاه همه‌جانبه می‌افزاید. هدف تفکر انتقادی، ایجاد یک نظم در اندیشیدن، هم‌چنین مشاهده، ارزیابی و بازسازی اندیشه، احساس و اعمال است. با پرسش‌گری سقراطی، تفکر انتقادی مستحکم می‌شود.

اصول پرسش‌گری سقراطی

- ۱- به پاسخ هر پرسشی که می‌رسید، آن را با یک پرسش دیگر امتداد و توسعه دهید.
- ۲- تا آن‌جا که ممکن است سعی کنید مفهوم پاسخ را بیشتر درک کنید.
- ۳- هر اندیشه، در زمانی معنا دارد که در یک شبکه با دیگر اندیشه‌ها باشد. از طریق پرسش‌گری، سعی کنید این شبکه را بشناسید.
- ۴- هر تفکری، انعکاس یک قصد است. برای فهم یک اندیشه، باید قصدی که سرمنشای آن اندیشه است، شناخته شود: قصدم از تفکر در این باره چیست؟
- ۵- هر تفکری، بر اساس اطلاعاتی صورت می‌گیرد. شما نمی‌توانید معنی اندیشه‌تان را بفهمید تا زمانی که معنی و مفهوم این اطلاعاتی که منجر به تفکر شما شده است را بیابید: اطلاعات اولیه کدام بوده است؟ چه تجربیاتی در این باره دارم؟ از کجا متوجه شوم که این اطلاعات درست است؟
- ۶- هر تفکر به استنتاج و ایجاد یک معنی منتهی می‌شود. بدون فهم این استنتاج، درک تفکر امکان‌پذیر نیست: چه‌گونه به این نتیجه رسیدم؟ دلایلم چه بود؟ آیا نتیجه جای‌گزینی هم وجود دارد؟
- ۷- اندیشه‌ها از به‌کارگیری مفاهیم به وجود می‌آیند. بدون درک این مفاهیمی که اندیشه را شکل داده‌اند، نمی‌توان آن اندیشه را درک کرد: اصلی‌ترین ایده‌یی که مبنا قرار دادم، چیست؟
- ۸- هر اندیشه‌یی در بستر یک سری فرضیات رشد می‌کند. این فرضیات و آن‌چه که از پیش به عنوان درست پذیرفته شده است را بشناسید: دقیقاً چه فرضیاتی را دارم و چرا آن‌ها را درست فرض کرده‌ام؟
- ۹- هر اندیشه به نتیجه و پیامدی منجر می‌شود که شناخت آن برای درک اندیشه لازم است.
- ۱۰- هر اندیشه در راستای یک زاویه نگاه شکل می‌گیرد. بدون شناخت این زاویه نگاه، نمی‌توان آن را درک کرد: از کدام زاویه نگاه به موضوع می‌نگرم؟ آیا زاویه نگاه دیگری هم هست که باید آن را در نظر داشته باشم؟

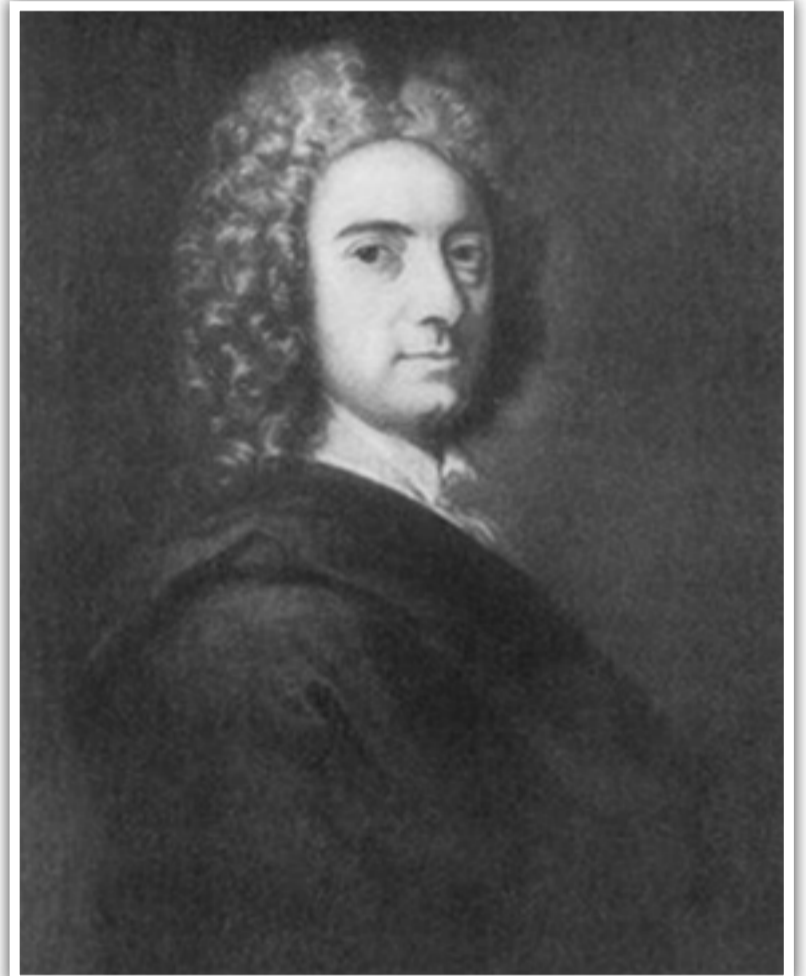
منبع:

<http://www.criticalthinking.org/articles/the-role-socratic-questioning-ttl.cfm>

خرد اسقف بر کلی

سهیل اسدی

فرو می‌بندد. در ۱۷۵۳ میلادی. ج- هر اندیشه‌یی که باور داشته باشد جهان خارج محصول ذهن است، «ایدیالیسم» نامیده می‌شود. بر کلی یکی از طرفداران این منطق بود. در بسط و قبض آن تلاش‌ها کرد. او باور داشت که خداوند ایده‌ها را در ذهن ما بنا به ترتیبی که باید موجود شوند، قرار می‌دهد. اما تمام ایده‌ها در ذهن او قایم به ذات و بدون ترتیب زمانی واقع شده‌اند. آن‌گاه «واقعیت» چیزی به‌جز ذهن ابدی خدا و مجموع اذهان محدود ما آدمیان نمی‌باشد. و ارتباط منطقی مابین خدا و بنده‌گانش توسط ابزار «ایده» صورت



می‌گیرد. جرج برکلی حتا فراتر می‌رود و موجودیت جوهر مستقل از ایده را نفی می‌کند. در باور او، هرآن‌چه در اطراف ما نهاده شده است، از جنس ایده است و بس. در هستی دو موجودیت برقرار است؛ ایده ۸ و روان ۹ (روح). ایده معلول است و روان عامل. روان خود به دو قسم تقسیم می‌شود. روان مطلق که همان ذات باری تعالی باشد بر سیطره هستی محاط است. و آدمیان - هم‌چنین دیگر جانداران - دارای روان محدود می‌باشند. روان آن‌ها برآمده از منبع مطلق الهی است. هر ایده‌یی که به روان محدود خطور می‌کند، بنا بر اراده روان مطلق صورت یافته است. در عالم واقع، روان دریافت‌کننده است و ایده‌ها دریافت‌شونده. اما در حوزه روان، روان محدود قادر به شناسایی و دریافت مستقیم مشابه خود نیست. هم‌چنین نمی‌تواند مستقیماً به دریافت روان مطلق نایل شود. ایده نقش واسطه را بر عهده دارد. روان‌های محدود به واسطه ایده‌ها با یکدیگر و جمله‌گی به روان مطلق که منشای هستی است، متصل می‌باشند.

مبحث «دریافت‌کننده‌گی و دریافت

الف- برکلی به موجودیت جوهری کاینات معتقد نیست. نقطه جنجال‌برانگیز فلسفه ایدئالیسم او نیز در همین‌جا نهفته است. اعتقاد او چنین است که مجموع هر آنچه در عالم خارج وجود دارد، یا هر آنچه را از طریق حواس درک می‌کنیم، در حقیقت انعکاسی از ایده‌های ذهنی ما هستند. پیش از آن‌که این مبحث را بکشاییم، بهتر آن است که چند سطر از زندگانی نامۀ اندیشمندی را از دیده بگذرانیم که در سده روشن‌گری اروپا می‌زیست؛ قرن هجدهم

میلادی. اما آن‌چنان هم به ابعاد و اصول جنبش روشن‌گری وفادار نماند، که منتقد آن بود. کما این‌که در نقطه‌یی از اروپا می‌زیست که مذهب هم‌چنان از عزت و احترام بسیاری برخوردار بود. ب- «جرج برکلی ۲» از اجداد انگلیسی اما در ایرلند متولد شد؛ سال ۱۶۸۵ میلادی. پدر بزرگش در عصر بازگشت پادشاهی به انگلستان راهی ایرلند شده بود. در پانزده سالگی جواز ورود به «ترینیتی کالج ۳» دوبلین را اخذ کرد. در آن‌جا فلسفه و الاهیات را به خوبی فراگرفت و در ۲۴ سالگی فارغ‌التحصیل شد. مشهورترین آثارش «تألیفی درباره نظریه جدیدی از تصور ۴» و «رساله‌یی درباره اصول دانش بشری ۵» محصول این دوره است. در ۱۷۳۴ میلادی به اسقفی شهر «کِلین ۶» از توابع ایرلند درآمد. در ۱۷۵۲ پس از سال‌ها تدریس فلسفه و الاهیات در آکسفورد بازنشست می‌شود. در همان اطراف خانه‌یی برای خود دست‌وپا می‌کند. یک‌سال پس از آرامش بازنشسته‌گی، روزی که همسرش باصدای بلند برایش انجیل می‌خواند، چشمانش را برای همیشه

پهنه گیتی

زیر سایه قند پارسی

سیده معصومه کلانکی

شاید آن‌زمان که حافظ خبر از رفتن قند پارسی به بنگاله می‌داد، برایش قابل باور نبود که این زبان شیرین امروز بخش زیادی از قاره‌های جهان را در نوردد و بسیاری را از هر سوی این دنیای پهناور به سرزمین شعر و ادب بکشاند. یا هنگامی که حکیم ابوالقاسم فردوسی، دغدغه حفظ و گسترش زبان شیرین فارسی را در دل می‌پروراند و قلم در قلمدان می‌چرخاند و سطر به سطر شاهنامه را می‌نگاشت، هرگز تصور نمی‌کرد روزی فرا رسد که ۲۲۰ دانشگاه در سراسر جهان به آموزش زبان فارسی اشتغال داشته باشد و تعداد قابل توجهی دانشجو و زبان‌آموز در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در این دانشگاه‌ها به فراگیری این زبان شیرین مشغول باشند.

البته این تنها یک گوشه از اقداماتی‌ست که برای حفظ زبان فارسی می‌شود و علاوه بر آموزش دانش‌پذیران زبان فارسی، نزدیک به ۴۰ استاد اعزامی از ایران و بیش از ۲۰۰ استاد بومی در دانشگاه‌های کشورهای مختلف به تدریس این زبان اشتغال دارند و بیش از ۶۰ سفارت‌خانه و رای‌زنی فرهنگی با تشکیل صنف‌های زبان فارسی، به داوطلبان آزاد و علاقه‌مندان، خدمات آموزشی ارائه می‌کنند.

تشکیل مجمع جهانی استادان زبان و ادبیات فارسی، تشکیل شورای گسترش زبان فارسی، موسسه بنیاد سعدی، برگزاری همایش‌ها در جهت شناخت بزرگان شعر فارسی در جهان، تنها گوشه‌یی از فعالیت‌هایی است که مراکز و موسسات آموزش عالی برای حفظ و گسترش ادبیات غنی فارسی انجام داده‌اند.

ادبیات پارسی، یکی از مهم‌ترین نمادهای مدنیت و فرهنگ شرق‌زمین و دنیای اسلام است که محصول فرآیندی عظیم از مبادلات فرهنگی، برخوردها و تأثیرپذیری‌های متقابلی‌ست که طی قرن‌ها انجام پذیرفته و آن را به یکی از بزرگ‌ترین میراث‌های فرهنگی کشورهای فارسی‌زبان تبدیل کرده است. این میراث مشترک معنوی، نقاط و جغرافیای سیاسی مهمی در جهان مثل ایران، افغانستان، تاجیکستان، شبه‌قاره هند و بخش‌هایی از آسیای مرکزی را به یکدیگر مرتبط کرده و مردم این سرزمین‌ها را از نوعی احساس و علاقه مشترک دینی و انسانی برخوردار ساخته است.

زبان فارسی در تاجیکستان مهجور است

دکتر صفر عبدالله، شرق‌شناس تاجیکی با اشاره به این موضوع که زبان فارسی در تاجیکستان مورد غفلت واقع شده است، می‌گوید: متأسفانه پیرو تصمیمات سیاسی، یکی از مهم‌ترین وجود مشترک میان این مردمان یعنی زبان فارسی حتا در تاجیکستان مهجور واقع شده و همین مسأله، مانعی مهم بر سر توسعه تعاملات میان دو کشور در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه فرهنگی بوده است. وی می‌افزاید: فارسی در تاجیکستان، زبان مردم این کشور و تاجیکستان، خاستگاه زبان فارسی است. متأسفانه چندان که دل من می‌خواهد، وضع زبان فارسی در تاجیکستان خوب نیست. در میان عوامل مختلف، مهم‌ترین مانعی که برای گسترش زبان فارسی در تاجیکستان وجود دارد و می‌توان آن را به دیوار چین تشبیه کرد، خط سیرلیک است.

اگر تاجیکستان می‌خواهد جزو کشورهای فارسی‌زبان باقی بماند و پیشرفت کند، اقدامی که باید انجام دهد، برداشتن این دیوار بسیار سنگین (سنگین‌تر از دیوار چین)، یعنی خط سیرلیک است.

به هر حال، خط فارسی باید در تاجیکستان احیا شود. تا سال ۱۹۳۰ در تاجیکستان، همه با همین خط می‌نوشتند.

به گفته این پژوهش‌گر، برخی بزرگان فرهنگ تاجیکستان از جمله استادان صدرالدین عینی و ساتم اولوغزاده که در زمان اتحاد جماهیر شوروی نیز فعالیت کردند، آثار خویش را به خط فارسی می‌نوشتند. تقریباً تا زمان دگرگون شدن خط، فارسی‌زبانان آسیای مرکزی که بدبختانه با دستور استالین گجستک صورت گرفت، همه زبان خود را فارسی می‌گفتند

که در شبه‌قاره، آن‌گونه که شایسته است به زبان فارسی پرداخته نمی‌شود، می‌گوید: هند با زبان فارسی رابطه قدیمی دارد و این زبان بیش از ۹۰۰ سال است که در هند ادامه داشته و دارد. در این دوران، هزاران نسخه و هزاران کتاب به فارسی نوشته شده که بیشتر آن کتاب‌ها هم‌اکنون موجود است. ما در هند تقریباً پنج یا شش کتاب‌خانه داریم که هزاران نسخه خطی در اختیار آن‌هاست. از این کتاب‌خانه‌ها می‌توان به کتاب‌خانه خدایبخش، کتاب‌خانه رضا رامپور، کتاب‌خانه‌یی در دانشگاه علیگر، کتاب‌خانه‌یی در موزیم ملی و کتاب‌خانه‌یی در انجمن آسیایی بنگال اشاره کرد. در این کتاب‌خانه‌ها هزاران نسخه خطی حفظ می‌شود. بیشتر این کتاب‌خانه‌ها برای حفظ نسخه‌های خطی، بودجه زیادی از



ادبیات پارسی، یکی از مهم‌ترین نمادهای مدنیت و فرهنگ شرق‌زمین و دنیای اسلام است که محصول فرآیندی عظیم از مبادلات فرهنگی، برخوردها و تأثیرپذیری‌های متقابلی‌ست که طی قرن‌ها انجام پذیرفته و آن را به یکی از بزرگ‌ترین میراث‌های فرهنگی کشورهای فارسی‌زبان تبدیل کرده است. این میراث مشترک معنوی، نقاط و جغرافیای سیاسی مهمی در جهان مثل ایران، افغانستان، تاجیکستان، شبه‌قاره هند و بخش‌هایی از آسیای مرکزی را به یکدیگر مرتبط کرده و مردم این سرزمین‌ها را از نوعی احساس و علاقه مشترک دینی و انسانی برخوردار ساخته است

دولت می‌گیرند و در نتیجه، سرمایه بسیاری برای حفظ و نگهداری نسخه‌ها صرف می‌شود. در کتاب‌خانه‌های هند، هزاران نسخه خطی به زبان‌ها فارسی و عربی نگهداری می‌شود که همه آن‌ها محفوظ هستند و از کسی نشنیده‌ام که نسخه‌های خطی در این کتاب‌خانه‌ها از بین رفته باشد. وی با انتقاد از وضع کنونی زبان فارسی در شبه‌قاره ادامه می‌دهد: در هند و در سطح وسیع‌تر شبه‌قاره، به فارسی آن‌گونه که شایسته است اهمیت داده نمی‌شود. در شبه‌قاره بیش از ۶۰۰ سال زبان رسمی، زبان فارسی بوده است؛ ولی اکنون وضع این‌گونه نیست و چون خریدار زیاد نیست، دولت هم به آن منطقه توجه نمی‌کند. با وجود این، علاقه‌مندان به زبان و ادبیات فارسی در این‌باره حداقل تلاش خود را انجام می‌دهند و تا کنون نیز موفق بوده‌اند.

نیاز به تبادل گسترده فرهنگی

بی‌شک عشق به زبان فارسی در آسیا منحصر به کشورهای فارسی‌زبان و شبه‌قاره نمی‌شود و در سال‌های اخیر بسیاری از شرق آسیا و از جمله کشورهایی مانند جاپان، کوریا و چین به ایران سفر کردند تا در دانشگاه‌های این کشور به تحصیل در این رشته بپردازند. یکی از این دانشجویان، خانم دکتر آیانو ساساکی، دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران است.

او درباره وضع زبان و ادبیات فارسی در جاپان به «جام جم» می‌گوید: ادبیات فارسی در جاپان شناخته شده نیست و باید تبادلات فرهنگی گسترده‌تری - مانند ترجمه متون فارسی به جاپانی - صورت بگیرد تا مردم جاپان با تصویری

از فرهنگ پارسی آشنا شوند. من اول که زبان فارسی را آموختم، متوجه شدم زبان فارسی بدون ادبیات ناقص است، برای همین تحصیلم را در جاپان در همین رشته ادامه دادم. در جاپان، زبان‌هایی مانند فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی و روسی از ۱۵۰ سال پیش وجود داشته و بیشتر مردم ما هم چه به نظم و نثر با این زبان‌ها آشنایی دارند؛ اما ادبیات فارسی زیاد شناخته شده نبود و می‌خواستیم در زمینه شناخت زبان فارسی به جاپان خدمتی کرده باشیم.

کسانی که فارسی می‌دانند، در جاپان خیلی کم هستند و اگر یکی دو نفر فارسی بخوانند، خیلی تعجب‌برانگیز است. اما زبان فارسی، هیچ‌گاه خود را محدود و محصور به جغرافیای خاصی نکرد و حلاوت و شیرینی آن فراتر از قاره کهن رفت. در قرن‌های گذشته، این زبان در انتقال دانش‌ها و تکوین تمدن اسلامی و انتقال به اروپا در شکل‌گیری بخشی از تاریخ آن، نقش محوری داشته و توانسته است در بسیاری از دانشگاه‌ها نفوذ کند.

اکنون در بسیاری از کشورهای اروپایی، زبان فارسی آموزش داده می‌شود و در بسیاری کشورها نظیر اسپانیه، فرانسه، ایتالیا، اتریش، انگلستان، امریکا، کانادا و روسیه، استادان بزرگی مشغله اصلی‌شان تدریس و تحقیق پیرامون وجوه متفاوت ادبیات فارسی است و در بسیاری از این کشورها کرسی زبان فارسی دایر است.

گسترش آموزش زبان فارسی در فرانسه

ژیل اوتیه، اندیشمند فرانسوی در خصوص جایگاه زبان و ادب فارسی در فرانسه می‌گوید: اگر به میزان ترجمه‌ها، ویرایش‌ها و کتاب‌های نگاشته شده در زمینه ادبیات فارسی به زبان فرانسه توجه کنیم، فکر می‌کنم سطح قابل قبولی از شناخت ادبیات فارسی در فرانسه داشته باشیم.

برای نمونه می‌توانم به کتاب گرامر زبان فارسی نگارش ژیلبر لازار و ترجمه غزلیات حافظ اشاره کنم که کتاب‌های بسیار ارزش‌مندی هستند؛ اما مسأله این‌جاست که این‌ها همه آثاری هستند که مدت‌ها پیش تألیف یا ترجمه شده‌اند و به موجی از آثار شرق‌شناسی به زبان فرانسه تعلق دارند که نه تنها ادبیات، بلکه مطالعاتی در باب جامعه، سیاست، تاریخ و... ایرانیان را در بر می‌گیرد.

اما بدون شک باید بین این آثار و تدریس زبان، ادبیات و فرهنگ پارسی در فرانسه تفاوت قایل شد، چرا که گسترش آموزش زبان فارسی در فرانسه در سطح بسیار پایین‌تری قرار دارد و متأسفانه امروزه از کیفیت چندان مطلوبی برخوردار نیست.

علاوه بر این در فرانسه جز در دانشگاه پاریس و استراسبورگ و چند دانشگاه انگشت‌شمار دیگر، نمی‌توان دانشکده زبان و ادبیات فارسی یافت و این در حالی است که زبان و ادبیات فارسی از جمله ادبیات شناخته‌شده و مطرح جهان است.

به عقیده اوتیه به‌طور کلی می‌توان گفت در فرانسه به‌سختی می‌توان جایی برای آموختن زبان یا دست‌کم بخشی از فرهنگ پارسی پیدا کرد و این بسیار تأسف‌آور است، چرا که آموختن زبان فارسی، البته غیر از رسم‌الخط آن برای فرانسه‌زبان‌ها کاری بسیار ساده است.

گذشته از این، بسیاری از فرانسوی‌ها در دانشگاه‌ها مشغول فراگیری زبان عربی هستند و بخشی از این افراد می‌توانند در ادامه تحصیلات خود، به مطالعه زبان و ادبیات فارسی رو بیاورند؛ ولی متأسفانه این مسأله نیز تا کنون چندان عملی نشده است.

ضرورت توجه بیشتر به ترجمه متون کهن فارسی

دکتر نصرالله رستگار که در دانشگاه وین در اتریش به ادبیات فارسی مشغول است، درباره وضع کنونی تدریس ادبیات فارسی در دانشگاه‌های اروپا می‌گوید: من مقاله‌یی نوشتم با عنوان تاریخچه ایران‌شناسی در اتریش که در آن به ۳۰۰ سال تاریخ تحقیقات ادبیات فارسی پرداخته‌ام.

از قرن هفدهم میلادی، فارسی تدریس می‌شد و در قرن هجدهم اشعاری مانند دیوان حافظ ترجمه شد و همین‌طور کارهای جامی و نظامی و ادبیات پارسی، باعث افتخارمان است و ادبیات دینی و ملی با هم عجین هستند.

وی با اعتقاد بر این‌که مترجمان باید به ترجمه متونی مانند شاهنامه بیشتر بپردازند، می‌گوید: توجهی که در غرب به شاهنامه می‌شود، بیش از توجه فارسی‌زبان‌ها به آن است و من کشف کردم فردی اتریشی بخشی از شاهنامه را به شعر و یک آلمانی نیز از اول شاهنامه تا کیخسرو را ترجمه کرده است.

شاهنامه به انگلیسی به صورت کامل ترجمه شده و به زبان روسی نیز در دست ترجمه است و کم‌کم در دنیا ترجمه می‌شود و به دست خیلی از افراد می‌رسد. شاهنامه، سند فرهنگ فارسی میان افغانستان، ایران و تاجیکستان است.

اغراق نیست اگر بگوییم گرایش و کشش علاقه‌مندان به این زبان و ادبیات ممتاز در دنیای شرق و غرب تا حدودی به دلیل همین ویژه‌گی اخلاقی آن بوده است و همین رسایی و توانایی شعری و ادبی زبان فارسی در بیان مضامین عرفانی، عارفان و بزرگان دین و ادب این سرزمین را برای برقراری ارتباط با مریدان و علاقه‌مندان خود راغب و مشتاق کرده است.

از این‌رو باید دانست این امر تنها قسمتی از واقعیت مربوط به زبان و ادب فارسی در جهان امروزی به شمار می‌رود و درک صحیح و کامل از این واقعیت در موقعیت جهان زبان و ادبیات فارسی، وضع و هویت فرهنگی ما را تثبیت می‌کند.

منبع: جام جم

Mandegar

توافق سیاسی به نهادهای قانونی احترام می‌گذارد!



جان کری - وزیر خارجه امریکا

دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری افغانستان باید برای فراهم کردن آینده‌ی بهتر برای مردم خود، منافع دراز مدت کشور را بر منافع خود مقدم بدانند. من بارها در طول سفرهایم به کشور شما (افغانستان) با حقیقت تکان دهنده‌ی مواجه شده‌ام: افغان‌ها خواهان و سزاوار یک آینده بهترند. شما می‌خواهید بدون هراس زنده‌گی کنید، بهترین آموزش ممکن را برای فرزندان خود و نیز نظام بهداشتی داشته باشید که در شان و منزلت شما باشد و مشاغل و فرصت‌هایی دیگر که ملازم یک اقتصاد باثبات است.

به آینده بود. امریکا با نگاهی به تاریخ خود آموخته است که مسیر دموکراسی پر از دست اندازها است و این سفر یک شبه به پایان نمی‌رسد. دموکراسی مستلزم ساختن نهادهای معتبر، فائق آمدن بر اختلافات، ایجاد اعتماد و کار گروهی برای یک آینده بهتر است. امروز افغانستان و دو نامزد ریاست جمهوری آن با یکی از این دست اندازها مواجه اند -- لحظه تصمیم‌گیری. توانایی آنها برای فائق آمدن بر موانع و همکاری به منظور احترام گذاشتن به آراء میلیون‌ها نفر از شهروندان خود تعیین کننده آینده افغانستان و روابط آن با جامعه بین‌المللی خواهد بود. امریکا، سازمان ملل متحد و جامعه بین‌المللی صرفاً با این انگیزه خود...

ادامه صفحه ۶

امریکا: کمک ما به افغانستان بیش از کمک به بازسازی اروپای بعد از جنگ بوده است



اداره بازرسی عمومی امریکا برای بازسازی افغانستان موسوم به «سیگار» در تازه ترین گزارش خود اعلام کرد که بودجه‌ی که ایالات متحده از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ جولای سال ۲۰۱۳ به افغانستان کمک کرد حدود یکصد و چهار میلیارد دالر بوده که بیش از بودجه طرح مارشال برای بازسازی ۱۶ کشور اروپای غربی بعد از جنگ جهانی دوم است. براساس گزارش سیگار، امریکا به ۱۶ کشور اروپایی برای اجرایی شدن طرح مارشال حدود سیزده میلیارد و ۳۰۰ میلیون دالر کمک کرده بود.

برنامه چند جانبه‌ای را با موافقت دولتهای اروپایی تهیه و اجرا کند. در سال ۱۹۴۸ نمایندگان ۱۶ دولت (اتریش، انگلستان، ایتالیا، ایرلند، ایسلند، بلژیک، پرتغال، ترکیه، دانمارک، سوئد، سوئیس، فرانسه، لوکزامبورگ، نروژ، هلند، یونان) برای تشکیل کنفرانس همکاری اقتصادی اروپا در پاریس گردآمدند.

این کشورها سپس برنامه‌ی اقتصادی برای سالهای ۱۹۴۸_۱۹۵۲ ریختند که طرح بازسازی اروپا نام گرفت و پس از آن سازمان همکاری اقتصادی اروپا برای اجرای آن طرح بوجود آمد. طرح مارشال یکی از طرحهای موفق طولانی مدت امریکا در تاریخ سیاست خارجی این کشور قلمداد می‌شود.

واکنش دولت افغانستان عبدالهادی ارغندیوال، وزیر اقتصاد افغانستان در گفتگو با بی‌بی‌سی رقم ۱۰۴ میلیارد دالر را رد کرد و گفت که تاکنون ۷۳ میلیارد به افغانستان کمک شده که فقط ۱۸ درصد آن در اختیار دولت افغانستان قرار گرفته است.

او جامعه جهانی را زمینه ساز فساد در افغانستان دانسته و می‌گوید که تمام بودجه‌ی که از طریق دولت افغانستان به مصرف رسیده قابل حسابدگی است و در موارد که دولت افغانستان بر مصرف بودجه کنترل نداشته امکان حسابدگی بسیار سخت است.

آقای ارغندیوال گفت که ۸۲٪ بودجه‌ی که خارج از بودجه ملی افغانستان توسط خود خارجیها به مصرف رسیده به معنی این است که دولت افغانستان کنترل بودجه‌ای آن را نمی‌تواند و به همین دلیل بود که در کنفرانس توکیو کشور جاپان دولت افغانستان تاکید داشت که ۵۰ درصد از کمک‌ها از طریق دولت افغانستان و بودجه ملی این کشور مصرف شود.

در گزارش جدید سیگار آمده که با محاسبه میزان کاهش ارزش پول در این مدت، ارزش یک دالر در سال ۱۹۵۰ با ده دالر در سال ۲۰۱۴ برابری می‌کند.

این گزارش افزوده که ارزش میزان کمکهای امریکا به افغانستان، براساس ارزیابی‌های اقتصادی نیز با میزان کمکهای که در طرح مارشال به اروپا شده بود، مساوی است. اداره بازرسی امریکا برای بازسازی افغانستان افزوده است که کمک امریکا به بریتانیا، یعنی دریافت کننده بیشترین کمک در چارچوب طرح مارشال، به سه میلیارد و ۳۰۰ میلیون دالر بالغ شد که ارزش امروز آن به بیست و چهار میلیارد و ۷۰۰ میلیون دالر می‌رسد. تنها در سال ۲۰۱۴، امریکا اندکی کمتر از یک چهارم این مبلغ را به افغانستان کمک کرد.

سیگار افزوده که تنها تفاوت بین طرح مارشال و کمک به بازسازی افغانستان این بوده که بودجه طرح مارشال برای ساختمان سازی، بازسازی ارتش و پولیس کشورهای اروپایی به مصرف نرسید ولی در افغانستان این طرحها اولویت داشتند.

این گزارش خاطر نشان کرده که تحلیلهای انجام شده برابری قدرت مالی این دو کمک اقتصادی امریکا را نشان می‌دهد. براساس این گزارش بیشتر این کمک‌ها در بخش تامین امنیت، ایجاد حکومتداری خوب و ایجاد تسهیلات در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی در افغانستان هزینه شده است.

بر اساس یافته‌های این گزارش، مسایلی که باعث شکست مصارف این پولها شده نیز نبود سیستم شفاف حسابدگی، برنامه ریزی لازم، کمبود ساخت و ساز و سایر تهدیدهای امنیتی و جانی هستند.

جورج مارشال وزیر خارجه امریکا در دوران ریاست جمهوری ترومن در ۱۹۴۸ بعد از ختم جنگ جهانی دوم پیشنهاد کرد که امریکا برای بازگرداندن ثبات اقتصادی به اروپای بعد از جنگ و بازسازی اقتصاد رو به نابودی آنها،

تلفات پولیس در برگمتال

ناپدید هستند.

این مقام پولیس که خواسته نامی از وی برده نشود، به بی‌بی‌سی گفته که درگیری دیروز اتفاق افتاد و در ادامه افراد مسلح مخالف دولت ۶ خانه مربوط به نیروهای پولیس محلی را نیز آتش کشیده که در این حادثه سه غیرنظامی، شامل زن و کودک کشته شده‌اند.



حافظ عبدالقیوم، والی ولایت نورستان نیز کشته شدن چهار پولیس را در این درگیری تایید کرده و گفته که ارتباط این سربازان با مرکز ولایت قطع شده‌است.

ذبیح الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان نیز با پذیرفتن مسوولیت این حمله تایید کرده که در این درگیری ۱۰ سرباز پولیس محلی را کشته‌اند. عبدالجی وورشان...

ادامه صفحه ۶

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

- سه ماهه - ۱۰۰ دالر
- شش ماهه - ۲۰۰ دالر
- نه ماهه - ۳۰۰ دالر
- یک ساله - ۴۰۰ دالر



- نارسیده به منزل یا دفاتر
- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



- سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
- یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰